



دانشگاه پیام نور

حقوق جزای عمومی اسلام

(رشته الهیات)

دکتر عادل ساریخانی

بسم الله الرحمن الرحيم

پیشگفتار ناشر

کتاب‌های دانشگاه پیام نور حسب مورد و با توجه به شرایط مختلف یک درس در یک یا چند رشته دانشگاهی، به صورت کتاب درسی، متن آزمایشگاهی، فرادرسی، و کمک درسی چاپ می‌شوند.

کتاب درسی ثمره کوشش‌های علمی صاحب اثر است که براساس نیازهای درسی دانشجویان و سرفصل‌های مصوب تهیه و پس از داوری علمی، طراحی آموزشی، و ویرایش علمی در گروه‌های علمی و آموزشی، به چاپ می‌رسد. پس از چاپ ویرایش اول اثر، با نظرخواهی‌ها و داوری علمی مجدد و با دریافت نظرهای اصلاحی و متناسب با پیشرفت علوم و فناوری، صاحب اثر در کتاب تجدیدنظر می‌کند و ویرایش جدید کتاب با اعمال ویرایش زبانی و صوری جدید چاپ می‌شود.

متن آزمایشگاهی (م) راهنمایی است که دانشجویان با استفاده از آن و کمک استاد، کارهای عملی و آزمایشگاهی را انجام می‌دهند.

کتاب‌های فرادرسی (ف) و **کمک‌درسی** (ک) به منظور غنی‌تر کردن منابع درسی دانشگاهی تهیه و بر روی لوح فشرده تکثیر می‌شوند و یا در وبگاه دانشگاه قرار می‌گیرند.

مدیریت تولید محتوا و تجهیزات آموزشی

فهرست مطالب

پیشگفتار

یازده

۱	فصل اول: کلیات حقوق جزای عمومی اسلام
۲	مبحث اول: واژه‌شناسی و تعریف
۲	گفتار اول: مفهوم حق
۲	الف) مفهوم لغوی
۲	ب) مفهوم اصطلاحی
۴	گفتار دوم: مفهوم جزا
۵	گفتار سوم: معنای عمومی
۶	الف) حقوق جزای اختصاصی اسلام
۶	ب) حقوق جزای عمومی اسلام
۶	گفتار چهارم: تعریف حقوق جزای عمومی اسلام
۷	مبحث دوم: موضوع و فایده حقوق جزای عمومی اسلام
۷	گفتار اول: موضوع حقوق جزای عمومی اسلام
۷	گفتار دوم: فایده و هدف حقوق جزای عمومی اسلام
۸	الف) تأمین سعادت دنیا و آخرت انسان
۱۱	۱. نقش آموزش معارف دینی در پیشگیری از وقوع جرم
۱۱	۲. نقش امر به معروف و نهی از منکر در پیشگیری از وقوع جرم
۱۱	۳. توبه
۱۲	ب) فایده اجتماعی کیفر
۱۳	ج) تأمین عدالت اجتماعی
۱۴	د) اصلاح مجرمین
۱۴	مبحث سوم: منابع حقوق جزای عمومی اسلام
۱۵	گفتار اول: قرآن

۱۸	گفتار دوم: سنت
۱۸	الف) مفهوم سنت
۱۸	ب) انواع سنت
۲۰	ج) موقعیت سنت در ارتباط با قرآن
۲۱	گفتار سوم: اجماع
۲۱	گفتار چهارم: عقل

۲۵	فصل دوم: جرم و ارکان آن
۲۷	مبحث اول: مفهوم جرم
۲۷	گفتار اول: مفهوم جرم در حقوق جزای عمومی اسلام
۲۷	الف) مفهوم لغوی جرم
۲۸	ب) تعریف جرم
۲۹	گفتار دوم: ملاک جرم در حقوق جزای عمومی اسلام
۳۲	مبحث دوم: انواع جرائم در حقوق جزای عمومی اسلام
۳۳	گفتار اول: جرائم مستوجب قصاص
۳۴	گفتار دوم: جرائم مستوجب حد
۳۵	گفتار سوم: جرائم مستوجب دیه
۳۷	گفتار چهارم: مجازات‌های مستوجب تعزیر
۳۸	گفتار پنجم: جرائم مستوجب مجازات‌های بازدارنده
۳۹	مبحث سوم: ارکان عمومی جرم در حقوق جزای عمومی اسلام
۳۹	گفتار اول: رکن قانونی جرم
۴۰	گفتار دوم: ادله عنصر قانونی جرم در اسلام
۴۱	الف) اصل قانونی بودن جرم در قرآن
۴۵	ب) ادله اصل قانونی بودن جرم در روایات
۴۷	ج) اجماع
۴۹	د) عقل
۵۰	گفتار سوم: نتایج عنصر قانونی
۵۰	بند اول: عطف به ماسبق نشدن قوانین کیفری
۵۱	بند دوم: ادله قاعده فوق
۵۱	الف) آیات
۵۲	ب) روایات
۵۳	بند سوم: استثنائات قاعده عطف به ماسبق نشدن قوانین کیفری
۵۶	گفتار چهارم: تفسیر قوانین کیفری
۵۶	الف) مفهوم تفسیر
۵۶	ب) ادله لزوم تفسیر مضیق قوانین کیفری
۵۸	گفتار پنجم: قلمرو مکانی قوانین جزایی اسلام

۵۹	الف) اصل صلاحیت سرزمینی
۵۹	ب) صلاحیت شخصی
۶۰	ج) اصل صلاحیت واقعی
۶۱	د) اصل صلاحیت جهانی
۶۱	مبحث چهارم: علل توجیه کننده ی جرم «زوال عنصر قانونی»
۶۲	گفتار اول: دفاع مشروع
۶۲	الف) ماهیت دفاع مشروع
۶۴	ب) شرایط دفاع مشروع
۶۸	ج) احکام دفاع از نفس، ناموس، مال
۷۰	د) حکم دفاع از نفس، ناموس و مال دیگری
۷۰	گفتار دوم: اضطرار
۷۰	الف) مفهوم اضطرار
۷۲	ب) ادله اضطرار
۷۳	ج) اضطرار به قتل یا قطع عضو
۷۳	گفتار سوم: رضایت مجنی علیه
۷۴	گفتار چهارم: حکم قانون و دستور مقام صلاحیت دار
۷۵	الف) حکم قانون
۷۵	ب) آمر قانونی و دستور او
۷۶	ج) اطاعت مأمور از دستور مافوق در حقوق اسلامی
۷۷	د) ارتکاب جرم برای رعایت قانون اهم
۷۸	گفتار پنجم: عملیات جراحی و درمانی
۷۹	گفتار ششم: تأدیب و تربیت کودکان
۸۱	مبحث پنجم: عنصر روانی جرم
۸۲	گفتار اول: قصد مجرمانه در حقوق اسلام
۸۳	گفتار دوم: خطای جزایی در حقوق اسلام
۸۵	گفتار سوم: قصد و انگیزه مجرمانه
۸۷	گفتار چهارم: قصد در حقوق موضوعه
۹۰	مبحث ششم: عنصر مادی
۹۱	گفتار اول: موضوعاتی که در عنصر مادی از آن بحث می شود
۹۱	الف) مصادیق عنصر مادی جرم
۹۳	ب) مرتکب
۹۳	ج) وسیله
۹۴	د) نتیجه
۹۵	ه) رابطه علیت
۹۶	گفتار دوم: تجرّی و مقایسه آن با شروع به جرم
۹۶	الف) مفهوم شروع به جرم

۹۷	ب) شرایط شروع به جرم
۹۸	ج) تجری در حقوق اسلامی
۱۰۱	د) مقایسه تجری با شروع به جرم
۱۰۱	ه) جرم عقیم
۱۰۱	و) جرم محال
۱۰۲	ز) مقایسه تجری با جرم عقیم و جرم محال

فصل سوم: در مسئولیت کیفری و ارکان آن و علل رافع مسئولیت کیفری و همکاری در

۱۰۳	ارتکاب جرم
۱۰۵	مبحث اول: مسئولیت کیفری (مجرم)
۱۰۶	گفتار اول: مفهوم مسئولیت کیفری
۱۰۷	گفتار دوم: ارکان و پایه‌های مسئولیت کیفری
۱۰۷	گفتار سوم: مسئولیت کیفری در حقوق اسلامی
۱۰۸	مبحث دوم: علل رافع مسئولیت کیفری
۱۰۸	گفتار اول: مقایسه علل رافع مسئولیت کیفری با علل توجیه‌کننده‌ی جرم
۱۱۰	گفتار دوم: مصادیق علل رافع مسئولیت کیفری در حقوق اسلام
۱۱۰	الف) کودکی
۱۱۶	ب) جنون (دیوانگی)
۱۱۹	ج) مستی
۱۲۳	د) اجبار
۱۲۴	ه) اکراه
۱۲۸	و) خواب
۱۳۰	ز) بیهوشی
۱۳۰	ح: اشتباه
۱۳۳	مبحث سوم: همکاری و مساعدت در ارتکاب جرم
۱۳۳	گفتار اول: انواع همکاری در ارتکاب جرم
۱۳۳	الف) مباشر جرم
۱۳۴	ب) شرکت در جرم (شریک)
۱۳۴	ج) سبب جرم
۱۳۵	د) معاونت در جرم
۱۳۶	گفتار دوم: شرکت در جرم
۱۳۶	الف) اصول کلی شرکت
۱۳۸	ب) شرکت در جرائم غیرعمدی
۱۳۹	گفتار سوم: معاونت در جرم
۱۳۹	الف) مفهوم معاونت
۱۴۱	ب) شرایط معاونت

۱۴۲	ج) معاونت در قانون مجازات اسلامی
۱۴۲	د) شرایط و مصادیق معاونت در قانون مجازات اسلامی
۱۴۳	گفتار چهارم: تسبیب
۱۴۳	الف) مفهوم سبب
۱۴۴	ب) اجتماع سبب و مباشر
۱۴۶	ج) اجتماع اسباب
۱۴۸	د) اشتراک در اسباب
۱۴۹	فصل چهارم: مجازات (واکنش درمقابل مجرم)
۱۵۰	مبحث اول: مبنای و طبقه‌بندی مجازات
۱۵۱	گفتار اول: مفهوم مجازات
۱۵۷	گفتار دوم: منشاء مشروعیت مجازات
۱۵۸	گفتار سوم: طبقه‌بندی مجازات‌ها
۱۵۸	الف) طبقه‌بندی مجازات بر مبنای هدف
۱۵۹	ب) طبقه‌بندی مجازات براساس صدمه‌ی وارده‌ی بر جانی
۱۶۰	ج) طبقه‌بندی مجازات بر مبنای روابط آنها با یکدیگر
۱۶۱	د) تقسیم مجازات براساس موضوع آن
۱۶۱	مبحث دوم: اصول حاکم بر مجازات‌ها
۱۶۱	گفتار اول: اصل قانونی بودن مجازات
۱۶۲	گفتار دوم: اصل شخصی بودن مجازات‌ها
۱۶۲	گفتار سوم: اصل تناسب جرم و مجازات
۱۶۳	گفتار چهارم: اصل فردی بودن مجازات
۱۶۴	گفتار پنجم: اصل تساوی مجازات‌ها
۱۶۵	مبحث سوم: تعیین مجازات
۱۶۶	گفتار اول: تخفیف
۱۶۶	الف) علل تخفیف
۱۷۰	ب) جهات تخفیف
۱۷۲	گفتار دوم: تشدید مجازات
۱۷۳	الف) تعدد
۱۷۳	۱. تعدد در قصاص
۱۷۳	۲. تعدد در دیات
۱۷۳	۳. تعدد در حدود
۱۷۳	۴. تعدد جرائم تعزیری و مجازات‌های بازدارنده
۱۷۵	۵. انواع تعدد
۱۷۵	۱-۵. تعدد اعتبار (معنوی)
۱۷۶	۲-۵. تعدد مادی (واقعی)

۱۷۷	ب) تکرار
۱۷۸	۱. تکرار در حدود
۱۷۹	۲. تکرار در قصاص و دیات
۱۸۰	۳. تکرار در مجازات‌های تعزیری و بازدارنده
۱۸۲	گفتار سوم: سقوط مجازات
۱۸۳	الف) فوت مجرم
۱۸۵	ب) توبه
۱۸۷	ج) عفو یا گذشت متضرر از جرم
۱۹۳	د) اسلام
۱۹۵	ه) نسخ قانون جزا
۱۹۷	و) مرور زمان (تقادم)
۲۰۱	فهرست منابع و مآخذ

پیشگفتار

هم‌زمان با به‌وجود آمدن جامعه بشری معمای تعارض حقوق و آزادی‌ها از سویی و حل تعارض و حفظ حقوق و آزادی‌ها از سوی دیگر پدیدار می‌شود. در حقیقت حقوق را می‌توان یکی از جلوه‌های اجتماعی در جهت جمع و حل عادلانه تعارض حقوق و آزادی‌ها دانست. برای حل معمای پیش‌گفته رشته‌های مختلف علم حقوق تأسیس شده است، یکی از این علوم «حقوق جزای عمومی» است. در حقوق جزای عمومی اساساً با سه معما و مسئله مواجه هستیم، که عبارت‌اند از:

۱. جرم چیست و چگونه محقق می‌گردد؟
۲. مسئولیت کیفری چیست و چه کسی باید پاسخ‌گوی اعمال ارتكابی خود از جهت جزایی باشد؟
۳. واکنش اجتماعی در برابر مجرم مسئول چیست و شیوه تعیین آن چگونه است؟

در این نوشته با بهره‌گیری از منابع اصیل اسلامی و آموزه‌های فقهی، تلاش خویش را در حل معماهای فوق به‌کار برده‌ایم درعین‌حال مطالب به شیوه‌ی حقوق جدید نگاشته شده است یعنی محتوای حقوق جزای عمومی اسلام با قالب حقوق جزای عمومی مدرن و کلاسیک بیان شده است. تا با توجه به نیازهای روز، برای دانش‌پژوهان محترم کاربرد بیشتری داشته باشد بنابراین افزون بر تحلیل مطالب با استفاده از منابع اسلامی، مصادیق عینی و عملی آن با استناد به قوانین جمهوری اسلامی ایران مورد توجه قرار گرفته است و چون هدف از نگارش این اثر استفاده از آن

به عنوان منبع درس دو واحدی است از بیان تفصیلی مطالب پرهیز شده است. با توجه به اهداف و سؤال‌های فوق، مطالب این اثر در چهار فصل ارائه شده است.

در فصل نخست واژه‌شناسی و تعریف و مبانی و منابع و فایده و اهداف حقوق جزای عمومی اسلام تبیین شده است.

در فصل دوم، جرم و ارکان آن و انواع جرائم و ملاک جرم بودن عمل و اصل قانونی بودن جرم و نتایج آن و قاعده‌ی عطف به ماسبق نشدن قوانین کیفری و استثنائات آن و علل توجیه‌کننده جرم و مراحل مختلف مسیر مجرمانه و احکام آن از قبیل قصد، اعمال مقدماتی، شروع به جرم، جرم عقیم و محال و کامل مورد بحث قرار گرفته است.

در فصل سوم مسئولیت کیفری و ارکان آن و علل رافع مسئولیت کیفری از قبیل؛ کودکی، جنون، مستی، خواب، بیهوشی و... مورد بحث قرار گرفته و میزان دخالت و نقش هر یک از مباشر، معاون، سبب، شریک در تحقق جرم و مسئولیت هر یک بیان گردیده است.

در فصل چهارم نیز مجازات و شیوه‌ی واکنش در مقابل جرم و مجرم و مبانی و منشأ مشروعیت مجازات و طبقه‌بندی آن و اصول حاکم بر آن در حقوق اسلام تحلیل شده است و در نهایت اعمال قاعده تخفیف و تشدید در تعیین مجازات و علل سقوط مجازات را در حقوق اسلام مورد بحث قرار داده‌ایم.

فصل اول

کلیات حقوق جزای عمومی اسلام

هدف از ارائه مباحث این فصل تعریف حقوق جزای عمومی، بیان موضوع، فایده، هدف و منابع حقوق جزای عمومی اسلام است که در مبحث نخست واژه‌های مربوطه و تعریف حقوق جزای عمومی اسلام بیان شده است و در مبحث دوم موضوع و فایده آن توضیح داده شده است و در مبحث سوم نیز منابع حقوق جزای عمومی اسلام مورد بحث قرار گرفته است. برخی از سؤال‌های این فصل عبارت‌اند از:

۱. مفهوم اصطلاحی حق در حقوق جزای عمومی اسلام چیست؟
۲. مراد از ملازمه حق و تکلیف یعنی چه و در این باره علی (ع) چه فرموده است؟
۳. معنای واژه عمومی در حقوق جزای عمومی چیست؟
۴. تعریف حقوق جزای عمومی اسلام را در یک عبارت مختصر بنویسید؟
۵. موضوع حقوق جزای عمومی اسلام چیست؟
۶. چرا قوانین اسلامی بی‌هدف نمی‌باشد؟
۷. فقهاء فایده حقوق جزای عمومی اسلامی را تأمین چه مصالحی می‌دانند؟
۸. چرا در مواردی که عمل ارتكابی منحل نظم عمومی نیست در حقوق اسلامی ممکن است جرم تلقی شود؟
۹. نقش امر به معروف و نهی از منکر در پیشگیری از جرم چگونه است؟
۱۰. چرا توبه در اسلام از علل سقوط مجازات است؟
۱۱. آیا اسلام به فایده اجتماعی کیفر توجه دارد؟ چرا؟
۱۲. منظور از عدالت که یکی از اهداف حقوق جزای اسلامی است چه می‌باشد؟

۱۳. اگر منبع و دلیلی ظن آور و گمان آور باشد در چه صورتی می تواند به عنوان منبع حقوق اسلامی باشد؟
۱۴. از نظر مشهور فقهاء امامیه منابع حقوق جزای اسلام چندتاست نام ببرید؟
۱۵. انواع سنت را نام ببرید؟
۱۶. اگر روایت معتبر مخالف عموم یا اطلاق آیهی قرآن باشد چگونه بین آن دو جمع می شود؟
۱۷. اگر درک عقل، ظنی باشد از نظر امامیه می تواند منبع حکم جزایی قرار گیرد؟
۱۸. چه نوع قیاسی می تواند دلیل حکم شرعی قرار گیرد؟
۱۹. قیاس های مردود از نظر حقوق اسلامی را نام ببرید؟
۲۰. عقل از چه راهی می تواند حکم الهی را درک کند؟

مبحث اول: واژه شناسی و تعریف

گفتار اول. مفهوم حق

الف) مفهوم لغوی: حقوق واژه ای عربی و جمع حق است و در لغت معانی متعددی برای آن ذکر شده است، که از آن جمله به معنی موافقت و مطابقت است.^۱ معمولاً حق در مقابل باطل استعمال می گردد و باطل چیزی است که براساس موازین صحیح واقع نشود. رابطه بین حقیقت و واقعیت اعم من وجه است، زیرا برخی از امور واقعیت دارند ولی مطابق حقیقت نیستند، مانند حکومت غاصب اسرائیل و برخی از امور حق هستند ولی واقعیت پیدا نکرده اند و برخی از امور هم حقتند و هم واقع شده اند. عده ای نیز در معنی حق گفته اند: همه معانی حق در لغت به ثبوت و وجوب برمی گردد.^۲ بنابراین می توان گفت ثبوت معنی مشترک بین معانی متعدد حق است.

ب) مفهوم اصطلاحی: برخی از فقهاء حق را به توانایی و سلطنت تعبیر کرده اند.^۳ در حقیقت صاحب حق قدرت و توانایی تصرف و بهره برداری از مورد حق و یا ترک

۱. اصفهانی، مفردات راغب، ذیل ماده حق ص ۱۲۵ و ابن المنظور، لسان العرب ج سوم، چاپ اول، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۹۸۸ م، ص ۲۵۶.

۲. محمد سلام مدکور، المدخل للفقهاء الاسلامی، ص ۴۱۹.

۳. شیخ مرتضی انصاری، مکاسب کتاب الخیارات، تبریز، مطبعة اطلاعات، چ دوم، ۱۳۷۵ هجری قمری، ص ۲۱۴.

آن را دارد. برخی نیز آن را به مرتبه ضعیفی از ملک تعبیر کرده‌اند.^۱
 بنابراین حق در حقوق اسلامی، توانایی خاصی است که برای کسی نسبت به چیزی اعتبار شده و به مقتضای آن توانایی می‌تواند در آن چیز تصرف نموده و بهره‌ای ببرد.^۲
 بنابراین به مقتضای حق اعتبار شده است که، صاحب آن می‌تواند کاری را انجام دهد و می‌تواند از انجام عملی خودداری نماید. به عنوان مثال حق قصاص، توانایی و قدرت اولیاء دم نسبت به قاتل را اثبات می‌کند که به استناد آن، آنان می‌توانند قاتل را اعدام کنند یا حق قصاص خویش را اسقاط کنند. این تعبیر درباره‌ی حق دیه و قذف و... نیز صادق است.

حقوق دانان نیز برای حقوق معانی را ذکر کرده‌اند که به اهم آنها اشاره می‌شود:
 ۱. حقوق عبارت است از مجموع مقرراتی که بر اشخاص، از این جهت که در جامعه هستند حکومت می‌کند.
 ۲. حقوق جمع حق است مانند حق آزادی، حق شغل و... که جمع آن حقوق بشر می‌شود.

۳. گاهی مقصود از واژه حقوق علمی خاص است، یعنی دانشی که به تحلیل قواعد حقوقی و سیر تحول آن می‌پردازد. مانند حقوق جزا، حقوق مدنی، شایع‌ترین موارد استعمال حقوق، به همین معنی است.^۳
 البته باید توجه داشت که هر حقی همواره با تکلیفی قرین است و حق و تکلیف مانند دو هم‌زاد هستند. یعنی هر حقی پیوسته با تکلیفی همراه است. بدین معنی که وقتی حقی را برای کسی به رسمیت می‌شناسیم خود صاحب حق و کسانی که باید حق درباره‌ی آنها اعمال شود تکالیفی دارند.

در این باره امام علی علیه السلام فرموده: «کسی صاحب حق نمی‌شود مگر آنکه به عهده‌اش تکلیفی هم هست و بر عهده کسی حقی نیست مگر آنکه به نفع او هم هست.»^۴ بنابراین

۱. حاشیه سید محمد کاظم یزدی بر مکاسب، کتاب الخیارات، بیروت، لبنان، انتشارات دارالمصطفی ص داراحیاء التراث، ۲۰۰۲ م، جلد ۲ ص ۳۶۷.

۲. ابوالقاسم گرگی، مقالات حقوقی، جلد اول، ص ۲۷۹.

۳. محمد جعفر لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، چاپ چهارم، تهران، گنج دانش، ۱۳۶۸، ص ۲۱۷-۲۴۱.

۴. عزالدین عبدالحمید ابن ابی الحدید المدائنی، شرح نهج البلاغه، ج ۱۱، باب ۲۰۹، ص ۸۸ «الحق اوسع الاشياء فی التواصف... لایجرى لاحد علیه الاجرى له و لوکان لاحد ان لایجرى له و لا علیه لکان ذالک خالصا لله سبحانه» و ر.ک. به نهج البلاغه، شرح و ترجمه فیض الاسلام، خطبه ۲۰۷ ص ۶۸۱.

حق و تکلیف با یکدیگر تلازم دارند.^۱

می‌توان گفت: حقوق جزای عمومی اسلام، قواعدی است که حقوق و تکلیف کلی جزایی را بیان می‌کند.

همان‌گونه که گذشت، قصاص حقی برای اولیاء دم است. در عین حال، آنان تکلیفی نیز در نحوه اثبات و شیوه اجرای آن دارند. مانند این که آنان وظیفه دارند از طرق شرعی و قانونی قصاص را ثابت کنند و از شیوه‌های قانونی حق قصاص را استیفاء نمایند.

گفتار دوم. مفهوم جزا

«جزاء» در پاداش کارهای خیر و هم در پاداش کارهای شروزشست استعمال می‌شود. به‌علاوه جزا گاهی در معانی گوناگون دیگری از قبیل اداء و قضاء چیزی از طرف کسی

۱. در قرآن کریم دقیقاً ۲۴۷ مورد کلمه حق به‌کار رفته است که حدود ده درصد آن به مفهوم حقوقی حق مربوط می‌شود و در بسیاری از موارد، معانی دیگری از آن اراده شده است. یکی از معانی حق در قرآن اعتقاد مطابق واقع است یعنی اعتقاداتی که افراد دارند برخی حق و مطابق با واقع است و برخی از اعتقادات نیز باطل است و با واقعیت تطابق ندارد. اعتقادی که برای گاو و آتش و آب و نظایر آن مرتبه‌ای از الوهیت قابل است یا اعتقادی که اصلاً خدا را انکار می‌کند، یک نوع اعتقاد است و در مقابل، اعتقادی هم که قائل به وجود خدای یگانه است اعتقاد دیگر است. از نظر قرآن تنها اعتقاد به خدای یگانه مطابق با واقع و حق است. «فَذَا لَكُمْ اللَّهُ رَبِّكُمْ الْحَقُّ فَمَاذَا بَعْدَ الْحَقِّ إِلَّا الضَّلَالُ» یونس/۳۲

معنای دیگری که مشابه معنای اول است حق [در قرآن] به‌معنای خود واقعیت است. معنای اول، اعتقاد مطابق با واقع بود، در این اصطلاح به خود آن واقعیت خارجی از آن جهت که اعتقاد به آن تعلق می‌گیرد، اطلاق حق می‌شود. «جاء الحق و زهق الباطل» اسراء/۸۱ و «یا ایها الناس قد جاءکم الحق من ربکم» یونس/۱۰۸ و «و اتل علیهم بنا ابنی آدم بالحق...» مائده/۲۷

معنای سوم حق [در قرآن] سخن و کلام مطابق با واقع است. کلام با اعتقاد فرق می‌کند. اعتقاد امری است مربوط به دل، ولی کلام از سخن لفظ و مربوط به زبان است. ممکن است کسی سخن بگوید، ولی به آن اعتقاد نداشته باشد؛ این‌بدان جهت است که اعتقاد و کلام از دو مقوله مختلف هستند.

قدر مشترک و وجه تشابه این سه معنا این است که در همه آنها یک نوع مطابقت با واقع و لحاظ واقع وجود دارد. معنای چهارم حق در قرآن با سه معنای قبلی متفاوت است و واقعیت و مطابقت با واقع در آن مطرح نیست. براساس این اصطلاح، به‌کاری که از شخص حکمی صادر شود که دارای هدفی شایسته باشد حق اطلاق می‌گردد. در مقابل، به‌کاری که دارای چنین هدفی نباشد، لهو، عبث، لغو، باطل گفته می‌شود. به آیهی ۱۱۵ سورهی مومنون و آیهی ۱۶ سورهی انبیا و ۱۷ رعد مراجعه نمایید.

مفاهیم فوق در رابطه با امور تکوینی به‌کار می‌روند، اما یک سلسله معانی دیگری نیز برای حق وجود دارد که مربوط به امور اعتباری و ارزشی است. در تعبیرهایی نظیر «حق حیات»، «حق بشر» و...، نه‌منظور این است که سخنی مطابق باواقع است و نه مراد این است که اعتقادی مطابق باواقع است و نه خود واقع ثابت منظور است. وقتی در معامله می‌گوییم کسی حق فسخ یا حق خیار دارد و یا می‌گوییم پدر بر فرزند یا فرزند بر پدر حق دارد یا می‌گوییم خدا برانسان حق دارد، در تمامی این تعبیرها نیز معنایی غیر از آن معنایی مذکور مدنظر است. در این موارد نظر به یک امر وضعی، جعلی و اعتباری است که طی آن حقی را برای کسی ثابت می‌کنیم و در مقابل هم شخص دیگری است که این حق علیه او اعتبار می‌شود. به همین دلیل در تمامی مواردی که حق را در مورد امور اجتماعی و روابط انسان‌ها به‌کار می‌بریم، حق ملازم با تکلیف است، یعنی به همراه جعل و اثبات حقی برای یک نفر، تکلیفی نیز برای فرد دیگری اثبات می‌شود. محمدتقی مصباح یزدی، نظریه حقوق اسلام، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۰، با تلخیص از ص ۲۰-۸۰.

و به معنای بی‌نیازی و به معنای کافی بودن به کار می‌رود. اما اینکه جزا در پاداش نیکی‌ها استعمال می‌گردد نظیر آنچه در روایت درباره‌ی روزه نقل شده است: (روزه مال من است و من پاداش آن را می‌دهم)^۱ و اینکه جزاء به معنای مجازات در پاسخ جرائم است مانند آنچه در قرآن آمده است: (مجازات گناه، مجازاتی مثل آن است) و در آیه‌ی دیگری چنین بیان شده است: (مجازات کسی که پیمان‌ه در کیسه او یافت شود چیست؟ برادران یوسف پاسخ دادند: مجازات او خود اوست)^۲ بنابراین یکی از معانی جزاء واکنش در مقابل جرم و مجرم است. پس می‌توان گفت که حقوق جزای عمومی اسلام یعنی قواعدی که درباره‌ی امکان تحمیل مجازات بر مجرمین بحث می‌کند.

گفتار سوم. معنای عمومی

امروزه در علم حقوق برای سهولت مطالعات تقسیمات مختلفی ارائه شده است که یکی از این طبقه‌بندی‌ها تقسیم حقوق به حقوق عمومی و حقوق خصوصی است. در حقوق خصوصی، طرفین حق یا واقعیت حقوقی افرادند؛ مانند این‌که در یک معامله طرفین عقد دو فرد از افراد جامعه می‌باشند ولی در حقوق عمومی یکی از افراد واقعه حقوقی دولت و حاکمیت است، مانند کلیه شعب حقوق جزا که یکی از طرفین قضیه دولت و حکومت است. یعنی در حقوق جزای اختصاصی یا آیین دادرسی کیفری یا حقوق جزای عمومی، این دولت است که قوانین جزایی را تصویب و توسط قدرت ناشی از حاکمیت مجازات‌ها را اجرا می‌کند.

با این توضیح مختصر این پرسش مطرح می‌شود که منظور از واژه عمومی در حقوق جزای عمومی اسلام چیست؟ آیا عمومی یعنی این‌که مداخله‌گر اصلی در این رشته دولت است یا عمومی معنای دیگری دارد؟

اگر عمومی به معنایی باشد که در بالا به آن اشاره شد پس باید از این جهت فرقی بین حقوق جزای عمومی و اختصاصی و آیین رسیدگی کیفری و پاره‌ای از

۱. ابن منظور، لسان العرب، جلد ۲، ص ۲۷۸ و ۲۷۹

۲. جزاء سیئه، سیئه مثلها شوری/۴۲ و -- فمجازات ان کنتم کاذبین قالوا جزاؤه من و جدفی رحله فهو جزاؤه یوسف/۷۵

رشته‌های دیگر مانند حقوق اساسی، حقوق اداری؛ وجود نداشته باشد. درحالی که چنین نیست. در اینجا برای روشن شدن مطلب ناگزیریم مفهوم حقوق جزای عمومی و اختصاصی را توضیح دهیم.

الف) حقوق جزای اختصاصی اسلام

گاهی در کتب فقهی جرم خاصی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است مثلاً در کتاب حدود و در ابتدای آن معنی زنا به‌طور دقیق بیان شده و سپس مجازات هر یک از موارد، جداگانه بیان شده است. ملاحظه می‌شود که در اینجا فقط جرم خاصی با تمام ویژگی‌هایش مورد بررسی قرار می‌گیرد و مطالب مطرح شده در آن قابل تسری به جرائمی از قبیل محاربه و قذف نمی‌باشد. پس حقوق جزای اختصاصی اسلام عبارت است از تجزیه و تحلیل شرایط، عناصر، ارکان جرم و انواع مجازات جرم خاصی که مطالب عنوان شده در آن به جرائم دیگر قابل تسری نیست.

ب) حقوق جزای عمومی اسلام

برخی از مطالب عنوان شده در کتب فقهی اختصاص به جرم خاصی ندارد. اگرچه شیوه فقها این بوده قواعد عام را در هر جرمی مورد بحث قرار می‌داده‌اند ولی در عین حال عناوین مطروحه مانند کودکی، جنون، اکراه عناوینی نیستند که فقط اختصاص به جرم خاصی داشته باشند بلکه این عناوین قواعد و اصول عامی هستند که در همه جرائم و مجازات‌های اسلامی سریان و جریان دارد. مانند این که کودکی در همه جرائم (قصاص، حدود و تعزیرات) از علل رافع مسئولیت کیفری می‌باشد.

بنابراین کلمه عمومی به معنای دخالت یا عدم دخالت دولت نمی‌باشد. بدین معنی است که در حقوق جزای عمومی اسلام از قواعد و اصول عمومی حاکم بر کلیه جرائم و مجازات‌ها گفتگو می‌شود و در حقوق جزای اختصاصی هر جرمی به‌طور خاص مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

گفتار چهارم. تعریف حقوق جزای عمومی اسلام

روشن است که شیوه فقها در نگارش کتب فقهی مبنی بر تقسیم مطالب به شیوه امروزی نبوده است. بلکه آنان حقوق جزای عمومی و حقوق جزای اختصاصی اسلام را

بدون تفکیک و تعریف هر یک از بخش‌ها در کتب فقهی مورد بحث قرار داده‌اند. برخی از فقها درباره‌ی قواعد فقهی بحث کرده‌اند یا کلیاتی را قبل از ورود به مباحث اصلی آورده‌اند.^۱ که برخی از آنها به حقوق جزای عمومی مربوط است. در همان‌جا نیز تعریفی از حقوق جزای عمومی اسلام یافت نمی‌شود ولی با توجه به شرایط عامه تکلیف و قواعد عمومی فقهی می‌توان تعریف زیر را درباره‌ی حقوق جزای عمومی اسلام ارائه نمود:

با توجه به آنچه پیرامون واژگان حقوق جزای عمومی اسلام بیان شد می‌توان آن را چنین تعریف کرد: «حقوق جزای عمومی اسلام، قواعد و مقررات عام کیفری در باب جرم و مسئولیت جزایی و مجازات و علل سقوط مجازات نظیر توبه، تعلیق، و... می‌باشد.»

مبحث دوم. موضوع و فایده حقوق جزای عمومی اسلام

گفتار اول. موضوع حقوق جزای عمومی اسلام

هر علمی پیرامون موضوع خاصی گفتگو می‌کند و موضوع علم عبارت است از چیزی که در آن علم درباره‌ی احکام و عوارض ذاتی آن بحث می‌شود. مانند فلسفه که موضوع آن وجود است و فیلسوف از احکام و عوارض وجود بحث می‌نماید.

با این توضیح مختصر می‌توان گفت؛ موضوع حقوق جزای عمومی اسلام قواعد عام جرم (اثبات و نفی) است. یعنی یگانه موضوع این علم جرم است و در این علم درباره‌ی ارکان عمومی تحقق یا عدم تحقق جرم و مسائل و امور متفرع بر آن نظیر مسئولیت یا مجازات و تشدید و تخفیف آن و... بحث می‌گردد. که کلیه این امور از مسائل حقوق جزای عمومی هستند.

گفتار دوم. فایده و هدف حقوق جزای عمومی اسلام

بحث از فایده و هدف حقوق به‌طور عام و هدف حقوق جزای عمومی اسلام به‌طور خاص از سلسله مباحث فلسفه حقوق است. در عین حال جهت آشنایی دانش‌پژوهان گرامی به اهداف مهم آن اشاره می‌شود.

از آنجایی که مقررات و قوانین اسلامی از یک منشأ حکیمانه نشأت می‌گیرد.

۱. مانند آنچه در کتاب وسایل الشیعه تحت عنوان مقدمات حدود بیان شده است.

یقیناً بی‌هدف و فایده نخواهد بود. منشأ قوانین جزایی اسلام حکمت بالغه الهی است. درحالی‌که خواستگاه قوانین عرفی، اراده اکثریت یا ضرورت‌های اجتماعی و برای سامان‌بخشی به امور جاری اجتماعی است. به عبارت دیگر در حقیقت قانون را جامعه به‌وجود می‌آورد. قانون ساخته دست جامعه است ولی در شریعت اسلام، این قانون است که برای ایجاد جامعه اسلامی وضع شده است. پس قانون الهی است که جامعه اسلامی را به‌وجود می‌آورد. در حقیقت قانون برای هدایت و تعالی و تکامل فرد و جامعه است با این مقدمه روشن می‌شود؛

اولاً؛ هدف و فایده حقوق جزای اسلام فقط در امور دنیایی خلاصه نمی‌شود. ثانیاً؛ هدف و فایده از آن تنها دفاع از نظم اجتماعی نیست بلکه ممکن است عملی ضدجامعه تلقی نگردد ولی در عین حال از دیدگاه حقوق اسلامی جرم و قابل مجازات باشد.

برخی از فقها فایده حقوق جزای اسلام را تأمین مصالح پنجگانه ذیل دانسته‌اند.

۱. مصلحت یا دفاع از دین
۲. مصلحت یا دفاع از نفس
۳. مصلحت یا دفاع از عقل
۴. مصلحت یا دفاع از ناموس
۵. مصلحت یا دفاع از مال^۱

بنابراین تقسیم‌بندی می‌توان گفت که فایده حقوق جزای عمومی اسلام، تأمین مصالح فردی و اجتماعی و دنیوی و اخروی است و از طریق جرم شناختن اعمال منافی مصالح و اخلاق درصدد تأمین سعادت ابدی است. در عین حال در یک بیان مختصر و جامع می‌توان هدف و فایده حقوق جزای عمومی اسلام را یکی از امور ذیل دانست که عبارت‌اند از:

الف) تأمین سعادت دنیا و آخرت انسان

در نظام جزایی اسلام، فعل یا ترک فعلی جرم و گناه است که از سوی شارع به آن نهی یا امری تعلق گرفته باشد. در این نظام اگرچه مجازات‌ها برای حفظ مصالح عمومی

۱. محمدحسن نجفی، جواهرالکلام، ج ۴۱، ص اول، کتاب حدود

وضع شده است ولی در عین حال هدف اصلی از وضع جرم و اجرای مجازات حفظ اخلاق اسلامی است که رعایت امور اخلاقی تأمین‌کننده سعادت دنیایی و ابدی (اخروی) انسان است که این امر در قوانین عرفی به فراموشی سپرده شده است.

به عنوان مثال، در قوانین عرفی ممکن است زنا جرم نباشد مگر اینکه یکی از طرفین رضایت به این عمل نداشته باشند (جرم بودن زنا در این صورت به علت اختلال در امنیت عمومی است) اما در نظام جزایی اسلام زنا به طور کلی جرم شناخته شده است. حتی اگر با رضایت زن و مرد، صورت گرفته باشد.

علت جرم بودن عمل در موارد فوق و موارد شبیه آن این است که برخی از جرائم آثار مخرب در سعادت ابدی انسان دارد. به بیان حقوقی بین ارتکاب این اعمال و تضییع سعادت اخروی انسان رابطه علیت وجود دارد. به تعبیر دیگر می‌توان گفت بین برخی از جرائم و شقاوت و مجازات اخروی رابطه عینیت وجود دارد. یعنی آنچه در آخرت کیفر بدکاران است، تجسم عمل آنهاست. آیاتی از قرآن مؤید این مدعاست. که به برخی از آیات اشاره می‌شود.

قرآن می‌فرماید: «روزی که هر شخصی هر کار نیکو کرده همه را پیش خود حاضر می‌یابد و آنچه بد کرده و آرزو کند ایکاش میان او و عمل بدش به مسافتی دور، جدایی بود! خداوند شما را از عقاب خود می‌ترساند که او در حق بندگان بسی مهربان است»^۱ درآیه دیگری آمده است: (آن روز کتاب اعمال نیک و بد خلق را پیش نهند و مجرمان را از آنچه در نامه‌ی عمل آنهاست ترسان و هراسان بینی درحالی که خود گویند ای وای بر ما این چگونه کتابی است! که اعمال کوچک و بزرگ ما را سرمویی فرونگذاشته جز آنکه همه را احصاء کرده است و در آن کتاب همه اعمال خود را حاضر بینند و جزای آن را بیابند و خدا به هیچ کس ستم نخواهد کرد)^۲.

و در آیه‌ی دیگری آمده است: (در آن روز قیامت مردم از قبرها پراکنده بیرون آیند تا پاداش نیک بد اعمال خود را ببینند. پس هر کس به قدر ذره‌ای کار نیک کرده باشد آن را خواهد دید و هر کس به قدر ذره‌ای کار زشتی مرتکب شده باشد به کیفرش

۱. آل عمران / ۳۰ - يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُّحْضَرًا وَ مَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَ بَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيدًا وَ يَحْذَرُكَمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَاللَّهُ رَؤُفٌ بِالْعِبَادِ

۲. کهف - ۴۹ - وَ وَضِعَ الْكِتَابَ فَتَرَى الْمَجْرِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا فِيهِ وَ يَقُولُونَ يَا وَيْلَتَنَا مَا لَ هَذَا الْكِتَابِ لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَ لَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا وَ وَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا وَ لَا يَظْلُمُ رَبُّكَ أَحَدًا

خواهد رسید^۱.

در روز قیامت مردم گروه گروه محشور می‌شوند تا در نمایشگاه اعمال، اعمال آنها ارائه شود و هر آنچه به آدمی در آن جهان می‌رسد، اعم از نعیم بهشتی و عذاب دوزخی، همه چیزهایی است که آدمی خودش آماده و حاضر ساخته است.

مجازات آخرت، تجسم عمل است. نعیم و عذاب آنجا همین اعمال نیک و بد است که وقتی پرده کنار رود تجسم و تمثیل پیدا می‌کند، به عبارت دیگر اعمال ما صورتی ملکی دارد که فانی و موقت است و آن همان است که در این جهان به صورت سخن یا عمل ظاهر می‌شود و صورتی ملکوتی دارد که پس از صدور از ما هرگز فانی نمی‌شود و از توابع و لوازم جدانشدنی ماست.^۲

حقیقت فوق مضمون آیات بسیاری از قرآن کریم است که به برخی از آنها اشاره شد.

مولوی نیز در اشعاری این حقیقت را بیان می‌کند:

ای دریده پوستین یوسفان	گرگ برخیزی از این خواب گران
گشته گرگان یک به یک خواهی تو	می‌درانند از غضب اعضای تو
ز آنچه می‌بافی همه روزه پیوش	ز آنچه می‌کاری همه ساله بنوش
چون زدست زخم بر مظلوم رست	آن درختی گشت و آن زقوم رست
زانیان را گنده اندام نهان	خمر خواران را بود گنده دهان
گند مخفی کان به دلها می‌رسید	گشت اندر حشر محسوس و پدید ^۳

با توجه به این مختصر نتیجه می‌گیریم که یکی از فواید حقوق جزای اسلام از طریق جرم شناختن اعمال منافی با اخلاق؛ حراست از اخلاق و سعادت ابدی آنان است.

البته تذکر این نکته لازم است که در سیاست جنایی اسلام، قبل از مبارزه با جرائم و مفسد از طریق مجازات راه‌های دیگری پیش‌بینی شده است که می‌توان آنها را

۱. زلزال / ۶، ۷، ۸. - یومئذ یصدر الناس اشتاتا لیروا اعمالهم فمن یعمل مثقال ذره خیرا یره و من یعمل مثقال ذره شریره

۲. مرتضی مطهری، عدل الهی، قم انتشارات صدرا، سال ۱۳۶۸، ص ۲۰۹.

۳. جلال‌الدین محمدبلخی، مثنوی معنوی، تهران، انتشارات صفی‌علیشاه، ۱۳۷۵، ص ۷۱۵. دفتر چهارم، بیت ۳۶۶۲ تا ۳۶۶۷.

به عنوان عوامل پیشگیری از جرم یا گناه مطرح نمود. برخی عبارت اند از:

۱. **نقش آموزش معارف دینی در پیشگیری از وقوع جرم.** قطعاً نقش بازدارندگی ایمان به خداوند تبارک و تعالی و معاد و عمل به دستورات متعالی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین در رابطه با ارتکاب جرم غیرقابل انکار است و یکی از اهداف پیامبران الهی تعلیم و تزکیه می باشد.^۱

۲. **نقش امر به معروف و نهی از منکر در پیشگیری از وقوع جرم.** در آیات متعدد، قرآن کریم مسئله امر به معروف و نهی از منکر را برای پاک سازی اجتماعی واجب و لازم شمرده است و در سخنان پیشوایان دین نیز این مسئله مورد اهتمام فراوان قرار گرفته است.

قرآن کریم در این باره مقرر می فرماید: «باید شما امتی باشید که دعوت به نیکی کنید و امر به معروف و نهی از زشتی کنید...»^۲ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند: تا وقتی امر به معروف و نهی از منکر در میان امت من رواج داشته باشد، در خیر و سعادت زندگی خواهند کرد، اما همین که آن را ترک کنند خیر و برکت از آنها گرفته می شود و برخی از آنان بر دیگران چیره خواهد شد و در نتیجه در روی زمین کسی آنان را یاری نخواهد کرد و مورد رحمت خداوند قرار نخواهند گرفت.^۳

۳. **توبه.** دین مبین اسلام بر پایه محبت و گذشت استوار است و هدف اسلام ساختن بشر و به وجود آوردن اخلاق فاضله است. با توجه به اصل فوق، اسلام به مجرم فرصت داده است تا خود را اصلاح کند و توبه نماید و در صورتی که توبه نمود، از گناه و جرم پاک می شود و دیگر عنوان مجرم بر وی صادق نیست. لذا در اسلام توبه قبل از ثبوت جرم و محاکمه از علل سقوط مجازات و از بین رفتن جرم است.

۱. بقره / ۱۲۹ - ربنا و ابعث فیهم رسولا منهم یتلوا علیهم آیاتک و یعلمهم الکتاب و الحکمه و.....

۲. آل عمران / ۱۱۰ و توبه / ۷۱

۳. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۶، قم نشر آل البیت، ص ۲۳۳، روایه ۲۱۱۴۶